

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۱

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط دوازدهم؛ لزوم نیت

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلیل چهارم از ادله دال بر عبادی بودن وضو و لزوم قصد قربت و قصد امتثال در آن، بود. عرض شد که دلیل چهارم، آیاتی از قرآن است که آیه اول در جلسه گذشته ذکر و بررسی شد و عرض شد که استدلال به آن آیه بر مدعا [لزوم و وجوب نیت و قصد قربت] تمام نیست.

آیه دوم: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...»^۱.

تقریب استدلال به آیه مذکور، این است که تعبیر «لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» بر عبادیت دلالت دارد، یعنی اوامر الهی جنبه عبادیت دارند و باید به قصد قربت و قصد امتثال، اتیان شوند و وضو نیز که امر الهی است، جنبه عبادیت دارد و باید به قصد قربت اتیان شود.

اشکال بر استدلال به آیه مذکور

جمله «وَمَا أُمِرُوا» در آیه مذکور، ناظر بر اصول است و ناظر بر فروع نیست و مقصود از اصول، توحید در مقابل شرک است. بنابراین، آیه مذکور، در صدد بیان اصل توحید است که در قالب «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...» آمده است و منظور این است که انسان حق ندارد که در عبادت کسی را شریک خداوند متعال قرار بدهد و لذا آیه مذکور، ربطی به وضو ندارد تا گفته شود که از آیه استفاده می‌شود که وقتی خواستید وضو بگیرید، باید قصد قربت کنید.

دلیل اینکه آیه مذکور، ناظر بر اصول است، این است که اولاً، «لام» در «لِيَعْبُدُوا اللَّهَ» به معنای «باء» نیست تا گفته شود که این آیه بر حصر اوامر خداوند به عبادت دلالت می‌کند و گفته شود که اوامر خداوند ساقط نمی‌شوند مگر اینکه به قصد اطاعت و امتثال، اتیان شوند، بلکه «لام» در «لِيَعْبُدُوا اللَّهَ» برای غایت است و بدین معناست که دستوری جز پرستش خداوند متعال به انسان داده نشده است لذا این آیه از دلالت بر اعتبار قصد قربت در امتثال امر در عبادات بیگانه است، نظیر «لام» در آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲ که لام در این آیه برای غایت است و بدین معناست که هدف از خلقت جن و انس، عبادت پروردگار عالم است و این غیر از این است که باید در امتثال هر امری از اوامر پروردگار قصد قربت معتبر باشد. پس عبادت در آیه مورد بحث، در مقابل شرک است، یعنی بندگان، نباید برای خداوند شریک قائل شوند و فقط باید خدا را عبادت کنند و این آیه، ناظر به مسأله توحید از اصول دین است و ربطی به مسأله وضو و امثال آن از فروع دین، ندارد.

۱. «البینة»: ۵.

۲. «الذاریات»: ۵۶.

ثانیاً، اگر «لام» در «لِيعْبُدُوا اللَّهَ» به معنای «باء» باشد ملازم با این نیست که آیه مذکور، در صدد بیان لزوم قصد قربت در عبادات باشد، بلکه ناظر به توحید است و مشتمل بر بیان اصول است، یعنی در فرضی که «لام» به معنای «باء» باشد نیز به این معناست که فقط باید خدا عبادت شود و ربطی به فروع ندارد. البته ذیل آیه مذکور، مشتمل بر بیان فروع است که فعلاً مورد بحث نیست. بنابراین، معنای آیه مذکور، این است که از ناحیه خداوند متعال امری صادر نشده است جز اینکه بندگان، باید خدا را پرستند؛ در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و مشرکان، از شرک به توحید بازگردند.

ثالثاً، آیه مذکور، متضمن یک قرینه‌ای است که دلالت و ظهور تام در اصول دارد و بر این دلالت دارد که عبادت منحصر به خداوند متعال است و عبادتی برای غیر خداوند نیست زیرا این آیه در رابطه با اهل کتاب و مشرکین وارد شده است و خداوند به اهل کتاب و مشرکین امر کرده است که آنان باید خدا را بدون شریک پرستند و عبادت کنند. بنابراین، شأن نزول آیه مذکور، مربوط به اهل کتاب و مشرکین بوده و این آیه، در مقام بیان توحید از اصول دین بوده است و اصلاً به وضو که از فروع دین است، ربطی ندارد و در مقام بیان فروع نیست.

پس استدلال به آیه مذکور، بر لزوم قصد قربت در وضو تمام نیست.

دلیل پنجم: روایات مربوط

در رابطه با عبادیت وضو به دو دسته از روایات تمسک شده است:

دسته اول، روایاتی که بر این دلالت دارند که طهارت جزء صلاة است، یعنی همان‌گونه که صلاة جنبه عبادیت دارد، طهارت نیز جنبه عبادیت دارد که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ [شیخ صدوق (ره)]: قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع): «الصَّلَاةُ ثَلَاثَةٌ أَثْلَاثٌ؛ ثُلُثٌ طَهْوَرُ وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ»^۱.

از روایت مذکور، استفاده می‌شود که همان‌طور که رکوع و سجود جنبه عبادیت دارند، طهارت نیز که ثلث نماز و در کنار رکوع و سجود قرار داده شده است، جنبه عبادیت دارد و قصد قربت در آن معتبر است.

روایت دوم: عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع): قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): "خَصَلْتَانِ لَأُحِبُّ أَنْ يُشَارِكَنِي فِيهِمَا أَحَدٌ؛ وَضُوءِي فَإِنَّهُ مِنْ صَلَاتِي وَصَدَقَتِي فَإِنَّهَا مِنْ يَدِي إِلَى يَدِ السَّائِلِ فَإِنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ الرَّحْمَنِ"»^۲.

تعبیر «وضوئی فإنه من صلاتی»، بر این دلالت دارد که همان‌طور که صلاة جنبه عبادیت دارد، وضو نیز جنبه عبادیت دارد و قصد قربت در آن لازم است.

دسته دوم، روایاتی که بر این دلالت دارند که هیچ عملی بدون نیت محقق نمی‌شود که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع): قَالَ: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ»^۳.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱، ص ۳۶۶، ح ۸ و ج ۶، کتاب الصلاة، ابواب الركوع، باب ۹، ص ۳۱۰، ح ۱.

۲. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۷، ص ۴۷۸، ح ۳.

۳. همان، ابواب مقدمة العبادات، باب ۵، ص ۴۶، ح ۱.

روایت دوم: عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع)؛ قَالَ: «لَا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَلَا عَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضُعٍ وَلَا كَرَمٍ إِلَّا بِتَقْوَىٰ وَلَا عَمَلٍ إِلَّا بِنِيَّةٍ (وَلَا عِبَادَةٍ إِلَّا بِتَقْوَاهُ)»^۱.

گفته‌اند که دو روایت مذکور، بر این دلالت دارند که هیچ عملی بدون نیت محقق نمی‌شود و منظور این است که هیچ عملی بدون قصد قربت و قصد امتثال، محقق نمی‌شود.

در رابطه با اینکه منظور از نیت در روایات مذکور، چیست، دو احتمال داده شده است.

احتمال اول، اینکه منظور از نیت، قصد قربت و قصد امتثال است، یعنی هیچ عملی بدون قصد قربت محقق نمی‌شود.

لکن به نظر می‌رسد که دلالت دو روایت مذکور، بر مدعا [لزوم و وجوب نیت و قصد قربت در وضو] تمام نیست و منظور از نیت در روایات مذکور، قصد قربت و قصد امتثال نیست و منظور این نیست که هیچ عملی بدون قصد قربت محقق نمی‌شود زیرا تخصیص اکثر [که مستهجن است]، لازم می‌آید چون تعداد توصیلات زیاد است. اگر بنا بر این باشد که مقصود از نیت در روایات مذکور، این باشد که هیچ عملی نیست مگر اینکه باید به قصد قربت انجام شود، همه توصیلات خارج خواهند شد و تخصیص اکثر لازم خواهد آمد.

احتمال دوم، اینکه عده‌ای گفته‌اند که مقصود از نیت در روایات مذکور، مجرد قصد عناوین و افعال است، یعنی زمانی که انسان می‌خواهد وضو بگیرد، قصد وضو داشته باشد، زمانی که می‌خواهد نماز بخواند، قصد نماز داشته باشد، زمانی که می‌خواهد غسل کند، قصد غسل داشته باشد و به همین ترتیب، هر عملی را که می‌خواهد انجام بدهد، قصد انجام همان عمل را داشته باشد لذا مقصود از نیت، اراده است، یعنی هر عملی را که انسان می‌خواهد در خارج انجام بدهد، باید با اراده و اختیار، عنوان آن عمل را قصد کند تا بتوان گفت که اثر بر آن عمل مترتب می‌شود زیرا اگر قصد عنوان نشود، اثر بر آن مترتب نخواهد شد.

این احتمال نیز صحیح نیست و اگر منظور از نیت، قصد عنوان عمل باشد، از مدعا خارج است زیرا مدعا این بود که دو روایت مذکور که در آنها تعبیر «لا عمل الا بالنیة» آمده است، بر لزوم و وجوب نیت و قصد قربت در وضو دلالت دارند، یعنی از این روایات استفاده شده بود که مکلف هنگام وضو گرفتن باید قصد قربت کند، ولی اگر منظور از نیت، قصد عنوان باشد، روایات مذکور، بیگانه از مدعا خواهند بود و استدلال و استناد به آنها بر مدعا تمام نخواهد بود. بله! این احتمال برای اینکه استناد به دو روایت مذکور، بر مدعا [لزوم و وجوب نیت و قصد قربت در وضو] زیر سؤال برده شود، خوب است، لکن عقلاً این برداشت که گفته شود که منظور از نیت، قصد عنوان فعل است، صحیح نیست زیرا روایات مذکور، از امام معصوم (ع) صادر شده است و بعید است که گفته شود که منظور امام (ع) از «لا عمل الا بالنیة»، قصد عنوان عمل است زیرا شخصی که می‌خواهد عملی را انجام بدهد، معلوم است که قصد انجام آن را کرده است و چنین قصدی واضح و روشن است و نیاز به بیان آن از جانب امام (ع) نبوده است و همچنین، نمی‌توان گفت که اگر قصد عنوان نشود، اثر بر آن مترتب نخواهد شد زیرا چه بسا که لباس شخص در حوض آب بیفتد و تطهیر شود؛ بدون اینکه شخص قصد تطهیر آن را کرده باشد. پس اولاً، شأن امام (ع) أجل از این است که بفرماید که زمانی که عملی را انجام می‌دهید، انجام آن عمل را قصد کنید چون چنین قصدی واضح و روشن است و نیاز به بیان ندارد و ثانیاً، بر فرض که پذیرفته شود که مقصود از نیت، قصد عنوان عمل است، همه اعمال را شامل نخواهد شد و صحیح نیست که گفته شود

۱. همان، ص ۴۷، ح ۳.

که هر عملی که بدون قصد عنوان انجام شود، اثر بر آن مترتب نخواهد شد چون بسیاری از افعال بدون قصد عنوان انجام می‌شوند و اثر نیز بر آنها مترتب می‌شود، مثل اینکه اگر لباس شخص که نجس است، خود به خود در حوض آب بیفتد، پاک می‌شود؛ هرچند که شخص اصلاً نیت تطهیر آن را نکرده است. همچنین، اگر شخص یک عمل توصلی را انجام بدهد، بدون اینکه قصد انجام آن را کرده باشد، آن عمل محقق می‌شود و نفس تحقق آن عمل در خارج کافی است.

بنابراین، هر دو احتمالی که در رابطه با دو روایت مذکور، داده شد، مردود است و منظور از «نیت»، قصد قربت و امتثال و همچنین، قصد عنوان عمل نیست، بلکه منظور دو روایت مذکور، باطن عمل است، یعنی حقیقت، باطن و روحی برای عمل نیست مگر در پرتو نیتی که شخص می‌کند، مثل سیلی زدن به یتیم که اگر به قصد تأدیب شخص باشد، حسن است، ولی اگر به قصد تعذیب و تألیم باشد، قبیح است و همچنین، اگر بلند شدن در مجلسی به قصد تعظیم مؤمن دیگری باشد، پاداش دارد، ولی اگر به قصد تمسخر او باشد، عقاب دارد. پس منظور از اینکه عمل تابع نیت است، این است که اثر اخروی عمل دائر مدار نیت است و نیت شخص در اثر اخروی و ارزش عمل او تأثیرگذار است. [عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ هَذَا عَنْ أَخِيهِ وَ هَذَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) عَنْ آبَائِهِ (ع) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى فَمَنْ غَزَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ فَقَدْ وَفَّعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ غَزَا يُرِيدُ عَرْضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى»^۱].

«الحمد لله رب العالمين»